

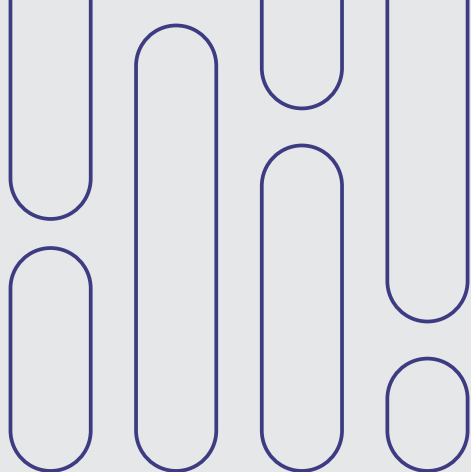
گزارش

# تغییر لحن ادبیات رسانه ای ایران علیه عربستان سعودی و تبعات آن بر روند روابط دو کشور

۲۱ مه ۲۰۲۴



**RASANAHA**  
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية  
International Institute for Iranian Studies



## فهرست

نخست: نشانه ها و پیامدهای تغییر لحن ادبیات رسانه	
ای ایران علیه پادشاهی عربستان سعودی	4
دوم: تبعات تشدید تنشها بر روند روابط	
میان دو کشور	7
سوم: دستاوردهای طرفین از ادامه روابط	9
چهارم: زیان های دو طرف در صورت افزایش تنش و یا	
قطع روابط	10
برآیند	12

ادبیات رسانه ای ایران در مورد عربستان سعودی بعد از احیای روابط دیپلماتیک در مارس 2023 میلادی به طور قابل ملاحظه ای بهبود یافت. اما در شرایط ناآرام منطقه ای ناشی از تنشهای نظامی منطقه خاورمیانه، از جنگ غزه گرفته تا جنگ افرزیه‌های اخیر میان ایران و اسرائیل و در نهایت، مطرح شدن موضوع عادی سازی روابط میان عربستان سعودی و اسرائیل و تلاشهای اخیر آمریکا در راستای دسترسی به راه حل دو کشوری برای پایان دادن به جنگ اسرائیل و فلسطین، ادبیات رسانه ای ایران در قبال عربستان سعودی بار دیگر لحن تندی به خود گرفت. این گزارش ابتدا به نشانه ها و پیامدهای تغییر گفتمان رسانه ای ایران در مورد عربستان سعودی و همچنین موضع پادشاهی عربستان سعودی به این تنش افزایشی و تبعات آن بر روند روابط میان دو کشور می پردازد. آنگاه دستاوردهای طرفین از ادامه روابط و همچنین هزینه هایی که بازگشت تنشها و یا قطع روابط، بر طرفین تحمیل می کند را مورد بررسی قرار می دهد.

## **نخست: نشانه ها و پیامدهای تغییر لحن ادبیات رسانه ای ایران علیه پادشاهی عربستان سعودی**

در روزهای اخیر، نشانه هایی از بازگشت لحن تند و تهاجمی در ادبیات رسانه ای ایران علیه پادشاهی عربستان سعودی حکایت داشت که در اینجا به عنوان نمونه به مواردی از آن اشاره می کنیم:

مقاله علی رضا تقوی نیا در 5 می 2024 میلادی در روزنامه «آرمان امروز» لحن تند و تهاجمی علیه عربستان سعودی به خود گرفت و امارات، عربستان سعودی و اردن را متهم ساخت که در بحبوحه جنگ غزه، این سه کشور عربی با ایجاد یک کریدور زمینی از امارات تا فلسطین اشغالی، سعی کردند نیازهای اسرائیل را تامین کنند. این اتهام در حالی مطرح می شود که هیچ یک از مقامات اسرائیل و عربستان سعودی رسماً در این مورد اظهار نظری نکرده اند. وانگهی، عربستان سعودی از همان آغاز جنگ موضع مشخصی اتخاذ کرد و از اسرائیل خواست که به این جنگ پایان دهد و اصول قوانین بین

المللی بشردوستانه را رعایت کند. عربستان سعودی همچنین با هرگونه آواره ساختن مردم فلسطین و با هر اقدامی برای از بین بردن مسأله فلسطین به شدت مخالفت کرد. علاوه بر آن، عربستان سعودی ضمن ارسال کمکهای بشر دوستانه در مورد ورود این کمکها برای غیر نظامیان غزه، هماهنگی هایی را با مصر به عمل آورد. پادشاهی عربستان سعودی همچنین به شدت با حمله به رفح مخالفت کرد و از نشست کشورهای عرب در دفاع از آرمان فلسطین میزبانی کرد. و تلاش کرد توجه و همراهی جامعه بین الملل را برای پایان دادن به جنگ ویرانگر غزه و حل و فصل مسأله فلسطین از طریق راه حل دو کشوری، جلب کند.

ادبیات این نویسنده علیه عربستان سعودی آنجا تهاجمی تر و خطرناک تر می شود که از این سه کشور عربی به عنوان حامیان اسرائیل یاد می کند و می نویسد: « از لحاظ فنی زدن کشتی های اسرائیلی و حامیان آن در مدیترانه بسیار سخت و پیچیده است اما احتمالاً ارتش یمن (منظورش نیروهای حوثی است) تسلیحاتی دارد که می تواند یک شناور را از فاصله بیش از 2000 کیلومتری مورد اصابت دقیق قرار دهد». ادبیات این نویسنده آنجا لحن تند تر و تهاجمی تر به خود می گیرد که می گوید: « تسلط بر دریای مدیترانه با استفاده از موشکهای بالستیک و نیروی هوایی یعنی اشراف و کنترل بر تجارت دریایی شمال آفریقا، جنوب اروپا، ترکیه، روسیه و غرب آسیا.. و اگر حوثی ها بتوانند حداقلی از تسلط ژئوپلیتیکی خود را بر مدیترانه تثبیت کنند، آنگاه می توانند وزن و جایگاه بسیار بیشتری در معادلات قدرت بین الملل کسب نمایند».

پیداست که این عبارت، آشکارا حوثی های مورد حمایت ایران را به حمله علیه کشتیهای تجاری اماراتی، سعودی و اردنی تشویق می کند و آنها را به ادامه سیاستهای خصمانه علیه کشتیرانی و تجارت بین المللی و مخصوصاً گسترش دامنه فعالیتهای خصمانه علاوه بر دریای سرخ به دریای مدیترانه نیز تحریک می کند. یعنی نویسنده عملاً از حوثی ها می خواهد که به کشتیهای تجاری و نفتکش های خلیجی و سعودی به مقصد

اروپا و آمریکا حمله کرده و در جریان تجارت اختلال ایجاد کنند. و یقیناً در این صورت، عربستان سعودی در مقابل هرگونه حمله علیه اهدافش، تماشایی نخواهد بود بلکه واکنش نشان خواهد داد و این به معنای ورود آن به جنگ کنونی است.

موضع این مقاله هرچند که غیر رسمی است، با موضع روزنامه کیهان طرفدار نظام، همخوانی دارد. این روزنامه نوشت: «مسیر زمینی امارات - عربستان در تیررس موشکها و پهپادهای یمنی ها قرار دارد و هنوز جنگ چند ساله این دو کشور با یمن هم رسماً پایان نیافته است. بخصوص که یمنی ها از موشک مافوق صوت خود که برد آن به بیش از 2000 کیلومتر می رسد، نیز رونمایی کردند. این روزنامه همچنین می افزاید که حکام عرب و غیر عرب هم که به افکار عمومی و ملت فلسطین خیانت می کنند از حالا به بعد باید بترسند؛ بخصوص که رهبر انقلاب علی خامنه ای هشدار داده است که این دولت های اسلامی سزای خیانت خود را خواهند دید».

البته، پیش از نیز در پی شعله ور شدن جنگ غزه، چندین گزارش رسانه ای ضمن انتقاد از عربستان سعودی و کشورهای خلیج، به این کشورها تاخته بود. به عنوان نمونه روزنامه خراسان در 16 آوریل 2024 میلادی در تحلیلی با عنوان «عقیم سازی راهبرد ناتوی عربی»، کشورهای خلیج را به کمک در تأمین نیازهای اسرائیل متهم کرد. و با اشاره به مطلبی که بوی تهدید از آن به مشام می رسد نوشت که در حال حاضر کشتیهای عربستان سعودی و امارات هدف حملات حوثی ها قرار ندارند. همچنین وبسایت انتخاب به این مطلب اشاره کرد که «برخی از کارشناسان، دلیل اقدام عربستان سعودی و اردن در رهگیری هواپیماهای بدون سرنشین ایران را در چارچوب دفاع از حریم هوای مستقل خود می دانند که این اقدام با مواضع رسمی آنها در مورد جنگ اسرائیل در غزه تضاد دارد.

افزایش حمله رسانه ای ایران علیه پادشاهی عربستان سعودی همزمان با اعلام آمریکا مبنی بر نزدیکی زمان عادی سازی روابط میان ریاض و تل آویو، حکایت از این واقعیت دارد که ایران به این گفتگوها روی خوش

نشان نمی دهد. زیرا از نگاه ایران، این گفتگوها به انزوای بیشتر تهران و تقویت همگرایی با اسرائیل می انجامد. ثانیاً از این واقعیت حکایت دارد که توافقنامه احیای روابط میان عربستان سعودی و ایران علی رغم گذشت یکسال از امضای آن در پکن، نتایج مورد انتظار ایران را برآورده نکرده است. زیرا از نگاه ایران پیشرفت در پرونده های همکاری دوجانبه چنان کند بوده است که جانب ایرانی از آن، به جمود تعبیر کرده است. لذا، احتمال دارد این لحن تند ادبیات رسانه های ایران، ناشی از نگرانیهای زیاد ایران نسبت روند روابط دو جانبه باشد. و ایران با استفاده از ابزار رسانه ای در تلاش است این پیام را به پادشاهی عربستان سعودی مخابره کند که عادی سازی روابط عربستان و اسرائیل به زیان ایران تمام می شود؛ چرا که این رابطه احتمالی به ایجاد یک ائتلاف تازه می انجامد که منابع ایران را تهدید می کند.

همچنین، تند شدن لحن ادبیات رسانه ای ایران علیه عربستان سعودی همزمان با فرارسیدن موسم حج از این واقعیت پرده بر می دارد که نظام ایران روی فرصت مراسم حج حساب باز کرده است تا بدون توجه به مقررات و اصول دینی مربوط به مراسم حج، الگوی خاص ایرانی که ملغمه ای از سیاست و دین است، را تبلیغ کند. و این واقعیت در تلاشهای پیگیر ایران برای تحمیل آنچه مراسم برائت از مشرکین خوانده می شود، به خوبی هویداست و منظور از مشرکین، همان « قدرتهای مستکبر غربی اروپایی و آمریکا و اسرائیل است». در این راستا، علی خامنه ای رهبر ایران تلاش کرد با موج سواری بر حوادثی که در پی عملیات توفان الاقصی در غزه رخ داده است، حج امسال را حج برائت نامگذاری کند تا این مراسم خاص ایران را شور و هیجان بیشتری بخشد و آن را به عنوان یک ایده خالص ایرانی برای سالیان آینده نیز تثبیت کند. این نامگذاری حج امسال به عنوان حج برائت، فراخوان صریح خامنه ای برای سیاسی کردن حج است؛ بدون اینکه حساسیت پادشاهی عربستان سعودی و سایر کشورهای اسلامی در مورد پرهیز از سیاسی کردن مراسم حج و استفاده از مراسم حج در راستای اهداف سیاسی خاص را رعایت کرده باشد.

## دوم: تبعات تشدید تنشها بر روند روابط میان دو کشور

در عربستان سعودی، درباره تند شدن لحن ادبیات رسانه ای ایران علیه پادشاهی عربستان سعودی تفسیرهای متعددی ارائه می شود. به عنوان مثال، احتمال دارد که این تنش رسانه ای ناشی از نگرانیهای ایران در مورد امضای توافق امنیتی گسترده با آمریکا و همچنین پیشرفت برنامه بلندپروازانه هسته ای عربستان سعودی باشد. البته این احتمال نیز وجود دارد که این مسأله ناشی از نارضایتی ایران از کندی پیشرفت روابط اقتصادی با عربستان سعودی باشد. از نگاه عربستان سعودی، توافق امنیتی با آمریکا - اگر جان بگیرد- قدرت و جایگاه عربستان سعودی را در منطقه به نحو چشمگیری ارتقا می دهد و ضمن تأمین امنیت منطقه و بازگرداندن ثبات مورد نیاز، منطقه را از گرداب بحرانها نجات می دهد. از این رو، ایران به چنین توافقی با دیده هراس می نگرد و آن را علیه خود تلقی می کند. و شاید هم در چارچوب این توافق، عربستان سعودی، آمریکا و اسرائیل برای ایجاد یک بستر منطقه ای همکاری کنند که بتوان برای حمله برق آسا به ایران از آن استفاده کرد؛ حتی اگر رهبری عربستان سعودی هیچ قصدی به این امر نداشته باشد. باید گفت که این نوع نگرانیهای ایران هیچگونه توجیه منطقی ندارد و ایران در این تنش رسانه ای خود از این واقعیت غفلت کرده است که عربستان سعودی به عنوان یکی از بزرگترین و مهمترین کشورهای منطقه، تلاش دارد روابط متوازن خود را با همه طرفها حفظ کند و سیاست خارجی عربستان، پخته و مبتنی بر خرد است. از این رو، وقتی عربستان سعودی چنین گام بزرگی بر می دارد، ناگزیر باید امنیت، ثبات و صلح منطقه را در نظر بگیرد. و از آنجا که منافع عربستان در یک فضای با ثبات تأمین می شود، هرگونه توافق با آمریکا و اسرائیل که امنیت کشورهای دیگر منطقه مانند ایران و غیره را تهدید کند، از نگاه عربستان مردود است.

همانطور که عربستان سعودی در همه مراحل گفتگوهای توسعه همکاری با دولت آمریکا، اهمیت حفظ رابطه با ایران را در نظر داشت تا مبادا فضای

نزدیکی با ایران به تیرگی گراید، قطعاً این واقعیت را نیز در محاسبات خود دارد که تنش ایران و ادبیات تهدیدآمیز ایران روابط فیما بین را به طور جدی با چالش روبرو می‌کند و نباید از آن غفلت کرد. و تاریخ و پیشینه روابط عربستان سعودی و ایران این احتمال را مطرح می‌کند که هر لحظه امکان دارد ایران با تغییر مواضع خود، به بهانه‌های واهی از پایبندی به مفاد توافقنامه سر باز زند؛ بخصوص در صورتی که تحولات بنیادینی در عوامل داخلی و خارجی، تصمیم‌ساز ایرانی را بر آن دارد که به تشدید تنش در روابط با عربستان سعودی روی آورد.

از این رو، می‌توان گفت که به احتمال زیاد ایران برای توقف روند گسترش روابط با ایالات متحده، پادشاهی عربستان سعودی را تحت فشار قرار خواهد داد و در این راستا ممکن است تلویحا و یا مستقیماً امنیت عربستان سعودی را تهدید کند. و یا اینکه با استفاده از نیابتی‌های منطقه‌ای خود امنیت پادشاهی عربستان سعودی را هدف قرار دهد. به عنوان مثال، با استفاده از حوثی‌های یمن به پیچیدگی مشکلات منطقه دامن بزند و آنان را به فاز حمله به کشتیرانی در خلیج عدن و باب‌المندب نیز وارد سازد و همچنان از برگ‌حوثی‌ها استفاده کند که این امر اعتماد میان ریاض و تهران را از بین خواهد برد. و این احتمال نیز وجود دارد که ایران با دخالت در امور داخلی عربستان سعودی و کشورهای خلیج به تنش‌های امنیتی در این کشورها دامن بزند که نشانه‌هایی از این رویکرد در سخنرانی علی‌خامنه‌ خود را نشان داده است که با موج سواری بر حوادث و مصیبت‌های مردم غزه، صراحتاً خواهان بهره‌برداری ابزاری از مراسم حج شد. این اقدام علی‌خامنه‌ای نقض آشکار توافق میان عربستان و ایران است. و تلاش برای باج‌خواهی سیاسی در راستای پیشبرد پروژه‌های سیاسی محض ایران است که هیچ ارتباطی با دین، غزه و آلام مردم غزه ندارد.

اما در خصوص بی‌مورد بودن نگرانی‌های ایران و انتظار زود هنگام ایران در عملیاتی‌سازی مفاد اقتصادی و تجاری این توافق باید گفت که کندی در برخی بخش‌ها، دلایل منطقی خاص خود را دارد؛ زیرا لازمه طرح‌های



بلندپروازانه اقتصادی، ثبات امنیتی و سیاسی منطقه است که اقدام عربستان سعودی در احیای روابط با تهران و اولویت دادن به مشارکت تهران بر انزوای آن، عملاً در این مسیر گام برداشته است. اما رفتار ایران و محاسبات منافع خاص آن در منطقه، وضعیت امنیتی و ثبات سیاسی در منطقه را برهم زده و جلوی پیشرفت رابطه دو کشور در حوزه اقتصادی را گرفته است.

## سوم: دستاوردهای طرفین از ادامه روابط

عربستان سعودی، ایران و چین در اولین نشست کمیسیون مشترک سه جانبه که در اواسط دسامبر 2023 میلادی تشکیل شد، در مورد دستاوردهای این توافق، اتفاق نظر داشتند که در رأس آنها گذاشتن سنگ بنای همکاری میان طرفین در چارچوب دوجانبه و منطقه ای است به گونه ای که مانع بازگشت بحران و تنش قدیمی میان آنها شود. و جنگ اسرائیل در غزه، این رویکرد را تثبیت کرد. جنگ اسرائیل در غزه، پیامدهای زیادی به دنبال داشت که از جمله آنها تبدیل شدن جنگ میان ایران و اسرائیل از فاز جنگ سایه و نیابتی به جنگ رو در رو است که منطقه را بر لبه پرتگاه جنگ منطقه ای گسترده قرار داد. با توجه به این مسأله می توان گفت که مهمترین دستاور ریاض و تهران از حفظ توافق این است که طرفین در سطح راهبردی موفق شدند مانع از آن شوند که ایالات متحده برای تحقق اهداف خود، از اختلافات فیما بین بهره برداری کند. در نتیجه می توان گفت که پایبندی به توافق، سبب می شود که در مواقع تنش با قدرتهای منطقه ای و بین المللی دیگر، هیچ یک از طرفین امکانات و توانمندیهای خود را علیه دیگری به کار نگیرد. و فراتر از آن، ممکن است توانمندی ها و امکانات یک طرف، در میان مدت و بلند مدت به عامل کمکی و تقویتی راهبرد هر کدام از آنها برای حفظ ثبات و امنیت منطقه ای تبدیل شود که فرصتهای آن نیز بسیار زیاد است؛ زیرا چین با نظارت بر روند این توافق، از هیچ تلاشی برای پایداری توافق و اجرایی سازی بندهای آن فروگذار نمی

کند. و نشست های دوره ای نمونه ای از این تلاشها است که قرار است ریاض در ماه ژوئن 2024 میلادی میزبان دومین دور این نشست ها باشد. یکی از برجسته ترین نقاط ضعف این توافق، جنبه اقتصادی آن است؛ مخصوصا برای طرف ایرانی که به خاطر نیاز شدید، انتظار درآمدهای کلان اقتصادی از این توافق را داشت. در این زمینه ذکر این نکته ضروری است که تعاملات تجاری میان دو کشور، به زمان بیشتری نیاز دارد تا سرمایه و سرمایه گذاران، اعتمادی که به خاطر تجارب گذشته از میان رفته است، را بازیابند. از این رو، برای بر طرف کردن نقطه ضعف این توافق، ادامه روابط دوستانه و همکاریها، میان دو کشور « در قول و عمل» برای مدتی نسبتا طولانی یک نیاز مبرم است. مضاف بر اینکه، این مسأله، برای طرحهای توسعه ای ملی و امتدادهای منطقه ای آن که نیازمند ثبات زیادی است، فضای مناسبی خلق می کند و زمینه را برای تخصیص منابع مالی بیشتر برای مسائل توسعه ای فراهم می سازد و زمینه مناسبی برای جذب سرمایه گذاریهای خارجی نیز فراهم می سازد.

## **چهارم: زیان های دو طرف در صورت افزایش تنش و یا قطع روابط**

بی تردید، هر گونه تنش در روابط فیما بین بر منافع سیاسی و اقتصادی دو طرف تأثیر منفی برجای می گذارد و ممکن است روابط بهم پیوسته در تمام منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. در مورد عربستان سعودی باید گفت که تنش در روابط با ایران و یا قطع روابط، برای امنیت و ثبات منطقه پیامدهای منفی به بار دارد؛ زیرا طرفین بار دیگر به رقابت و رویارویی روی می آورند. و این امر عربستان سعودی را بر آن می دارد تا با تمرکز بر جوانب دفاعی و تخصیص بودجه بیشتر برای امور دفاعی، رویکرد سیاسی خود را تغییر دهد. و این احتمال نیز وجود دارد که در صورت رویارویی طرفین، امنیت داخلی عربستان هدف قرار گیرد. یعنی ایران به تأسیسات نفتی عربستان حمله کند و یا به تحریک جبهاتی که هر دو کشور در آنجا منافع

دارند و تشدید تنشها روی آورد. و شاید هم دوره آرامش کنونی در یمن پایان یابد. و شاید هم ایران همچون گذشته، حوثی ها را به حملات بیشتر بر تأسیسات نفتی عربستان سعودی ترغیب کند و هیچ تضمینی وجود ندارد که ایالات متحده همان تلاشهای دفاعی که در جریان حمله ایران به اسرائیل در آوریل 2024 میلادی انجام داد، را برای دفاع از عربستان نیز انجام دهد. و احتمالاً ایران بار دیگر حملات رسانه ای خود علیه پادشاهی عربستان سعودی را از سر گیرد که در این زمینه مواضع منطقه ای در قبال جنگ اسرائیل در غزه را بهانه قرار می دهد. عملاً حملاتی از این قبیل مخصوصاً از سوی روحانیون در ایران علیه پادشاهی عربستان سعودی آغاز شده است.

همچنین بازگشت به رویارویی، منابع مورد نیاز عربستان سعودی برای تحقق بلندپروازیهایی داخلی در چارچوب «چشم انداز 2030»، تحت تأثیر قرار خواهد داد. در نتیجه، بی ثباتی و تنش روابط با ایران، پیامدهایی بر طرح توسعه داخلی، گردش اقتصاد و سرمایه گذاری به دنبال خواهد داشت؛ این در حالیست که عربستان سعودی برای تقویت جایگاه و همچنین نقش رهبری منطقه ای و جهانی خود، تلاش می کند سرمایه گذاری بیشتری جذب کند. از سویی دیگر، عربستان سعودی که تا کنون پرونده توافقی با ایران را به گونه ای مدیریت کرده است هم به روابط ریاض با واشنگتن آسیبی نرزد و هم مانع آن شود که واشنگتن بخواهد با بهره برداری از اختلاف ریاض و تهران، از عربستان سعودی باج خواهی کند و آن را تحت فشار قرار دهد، حال برهم خوردن این توافق، سبب می شود که پادشاهی عربستان سعودی از ایالات متحده کمک بخواهد. و این احتمال نیز وجود دارد که با برهم خوردن این توافق، عربستان سعودی ناگزیر وارد معادلات و چارچوبهای امنیتی تحت عنوان مقابله با تهدید ایران خواهد شد. از دیگر سو، تنش در روابط با تهران منطقه را درگیر وضعیت تازه تنش و بی ثباتی خواهد کرد که به جریان کشتیرانی و تجارت نفت آسیب می زند در نتیجه، احتمالاً به روابط رو به پیشرفت عربستان با چین نیز آسیب خواهد زد.

اما در مورد ایران که با استفاده از روند تنش زدایی توانسته است روابط خود با کشورهای خلیج و کشورهای منطقه را احیا کند، برهم خوردن توافق با عربستان می تواند این روند را معکوس کند. و این امر می تواند به ایجاد یک ائتلاف جدید همانند آنچه در سال 2016 میلادی برای مقابله با تهدیدهای ایران تشکیل شد، منجر شود. و این مسأله بار دیگر سبب می شود که بودجه بیشتری برای طرحهای مقابله با تهدیدهای خارجی اختصاص داده شود؛ امری که بارها مورد انتقادهای داخلی بوده است. همچنین مشارکت عربستان سعودی و کشورهای خلیج در کنار آمریکا و کشورهای اروپایی می تواند فشارهای بیشتری از جمله فشارهای اقتصادی و نیز فشارهایی در مورد برنامه هسته ای بر ایران تحمیل کند. و بی تردید، این امر پیامدهایی برای اوضاع سیاسی و اجتماعی داخل ایران به دنبال دارد و کارآمدی دولت را که به بهبود روابط با کشورهای همسایه و بهبود وضعیت اقتصادی وعده داده است، تضعیف می کند. که این وضعیت سبب افزایش نارضایتی مردمی از نظام می شود و احتمالاً در پی فشار عربستان و کشورهای خلیج بر تعدادی از کشورها برای قطع روابط با ایران، نفوذ تهران در برخی مناطق بسیار کم رنگ شود. و به احتمال زیاد ایران در انزوای بیشتری قرار می گیرد.

و خلاصه اینکه، با فروپاشی این توافق، کانال ارتباطی دیپلماتیک مهم میان طرفین نیز از بین می رود. و یک قدرت بین المللی مهم مانند چین نیز از معادله روابط دو کشور خارج می شود. یعنی یک دوره طولانی مدت درگیری و رویارویی آغاز خواهد شد که می تواند منطقه را به بی ثباتی سوق دهد. و قدرتهای بزرگ درچارچوب منافع و رقابت راهبردی خود، از طرفهای این توافق بهره برداری خواهند کرد.

## برآیند

هنوز زود است که تندی لحن ادبیات رسانه ای ایران علیه پادشاهی عربستان سعودی را به معنای موضع رسمی نظام قلمداد کنیم؛ مخصوصاً بعد از

دیدار وزرای خارجه دو کشور در حاشیه نشست سازمان همکاری اسلامی در بانجول پایتخت گامبیا و تأکید طرفین بر این امر که روابط در مسیر درست خود در حرکت است. اما هیچ بعید نیست که برخی جریانها در ایران که از احیای روابط دیپلماتیک میان دو کشور ناراضی هستند، دست به تنش آفرینی بزنند. و این احتمال نیز وجود دارد که نظام ایران برای ممانعت از بازگشت دوباره تنش در روابط دو کشور، بخواهد از طریق رسانه ها پیامهایی را به عربستان سعودی ارسال کند. البته باید گفت که تنش آلود شدن روابط میان دو کشور، باقیمانده اعتماد میان طرفین را نیز از میان خواهد برد؛ بخصوص که عربستان سعودی بعد از احیای روابط با ایران به تمامی تعهدات خود پایبند بوده و در چندین مناسبت اعلام کرده است که تمایل دارد روابط با تهران را در زمینه های مختلف گسترش دهد. بی تردید، ثبات در رابطه، به نفع هر دو طرف و مخصوصا ایران است که با بحرانهای داخلی و تنشهای خارجی دست و پنجه نرم می کند. و بازگشت تنش در رابطه طرفین، ایران را از فرصتهای اقتصادی آینده در بازار عربستان سعودی و کشورهای خلیج محروم می کند و بر روند پروژه های مشترک و فرامرزی در چارچوب ابتکارهای بین المللی نیز تأثیر منفی بر جای می گذارد. و همچنین، اگر روابط طرفین تنش آلود شود، فرصت میانجی گری چین که این توافق را به ثمر رساند، بار دیگر مهیا نخواهد شد. از این رو، عقل حکم می کند که هر دو طرف و کشورهای منطقه از فرصت موجود و به دور از طرحهای بزرگ و صف بندی های بین المللی، کمال استفاده را بنمایند و آن را هدر ندهند. و لازم است که طرفین در شرایط کنونی برای بررسی راهها و زمینه های تازه برای تقویت روابط در راستای منافع طرفین، و جلوگیری از عوامل تنش زا، به گفتگوها و دیدارهای بیشتری روی آورند.

